



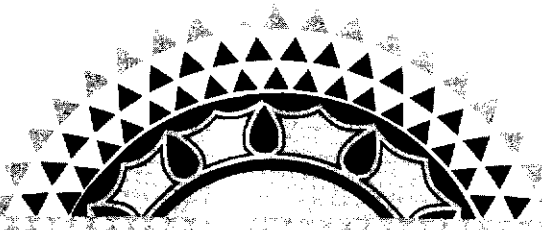
آشنایی با پاپ بندیکت شانزدهم

دکتر همایون همتی

راتزینگر پس از ۳۰۰ سال یک پاپ آلمانی تبار است و بندیکت ۱۵ ایتالیایی بوده است. پاپ فعلی یعنی کاردینال جوزف راتزینگر یکی از متکلمان برجسته مسیحی معاصر و استاد دانشگاه در رشته تئولوژی (الهیات) بوده است که ابتدا به عنوان سراسقف مونیخ (Archbishop) و سپس توسط پاپ پل ششم طی حکمی در ۲۷ ژوئن ۱۹۷۷ به مقام کاردینالی ارتقاء یافت. او توسط پاپ ژان پل دوم که اخیراً درگذشت در سال ۱۹۸۱ به عنوان رئیس (Prefect) بخش عقیده و ایمان منصوب شد و به مقام کاردینال ویژه (Cardinal Bishop) در اسقف نشین واتیکان (Episcopal see یا "مقر ویژه") رسید و به بیان دیگر حالت قائم مقام پاپ را پیدا کرد. او در سال ۱۹۹۸ به عنوان معاون ۱۰ کالج کاردینالها ۱۱ و بعداً در ۳۰ نوامبر ۲۰۰۲ به عنوان رئیس کالج کاردینالها منصوب شد. این مقام نیز برای او امتیاز ویژه ای به همراه داشت چرا که در این سمت در شمار کاردینالهای معلم و استاد افتخاری (Titular Bishop) محسوب می شد. او یکی از بانفوذترین اشخاص واتیکان و دوست صمیمی و نزدیک پاپ ژان پل دوم بود که مراسم تشییع جنازه پاپ ژان پل دوم را نیز خود رهبری کرد و سپس در نشست محرمانه شورای کاردینالها (Conclave) به عنوان

و مراسم افتتاحیه، پاپ جدید کار خود را در دفتر کار مخصوص آغاز می کند. راتزینگر نیز در ۲۴ آوریل ۲۰۰۵ پس از انجام این مراسم افتتاحیه ۳ به طور رسمی به عنوان پاپ یعنی رهبر کاتولیکهای جهان و نیز اسقف شهر رم ۴ (که طبق قانون این منصب همواره از آن پاپ وقت است) کار خود را آغاز کرد. وی در حال حاضر پونتیف (Pontiff) که در لاتین به معنای پاپ است) و نیز Bishop of Rome یعنی رئیس و سراسقف شهر رم است. راتزینگر که اکنون ۷۸ سال دارد و نام بندیکت ۵ را برای خود انتخاب کرده است از زمان پاپ کلمنت (در زبان فرانسه کلمان تلفظ می شود) دوازدهم که در سال ۱۷۳۰ به مقام پاپی رسید تاکنون مسن ترین کاردینالی بوده که به عنوان پاپ انتخاب شده است و نیز از زمان آدریان ششم ۶ تاکنون نخستین پاپی است که آلمانی تبار است. او اکنون هشتمین پاپ آلمانی است که در کل تاریخ کلیسای کاتولیک به مقام پاپ یا پاپی ۷ رسیده اند. نخستین آنها گروگوری پنجم در ۹۹۶ بوده است. آخرین پاپی که به نام بندیکت به این مقام رسید بندیکت ۱۵ نام داشت که اصلاً اهل ایتالیا بود و از سال ۱۹۱۴ تا ۱۹۲۲ طی جنگ جهانی اول در این مقام بود. پس چنانکه گفته شد در بین کل پاپها ۸ نفر آلمانی بودند و پاپ حاضر یعنی جوزف

اخیراً پاپ ژان پل دوم رهبر کاتولیکهای جهان درگذشت و شورای کاردینالها در واتیکان یک پاپ جدید را انتخاب نمود تا جانشین او شود و کلیسای کاتولیک را رهبری کند. برای ما مسلمانان که با مسیحیان جهان وارد دیالوگ ادیان شده ایم، لازم است تا آشنایی اجمالی با این رویداد مهم کسب کنیم و با بصیرت بیشتری روابط خود با جهان مسیحیت و به خصوص واتیکان را تنظیم و تدوین نماییم. بدینسان، شناخت پاپ جدید، شخصیت، تحصیلات، افکار، مواضع و دیدگاههای او هم به لحاظ نظری و هم به لحاظ عملی برای جامعه دینی ما، نسل جوان، دانشجویان، روحانیان، عالمان دینی، مسئولان اجرایی کشور و همه هموطنان کنجکاو و هوشمندمان ضرورت دارد و امری پسندیده و سودمند است. این نکته درباره دیگر ادیان بزرگ جهان نیز صادق است و در آن موارد نیز همین کسب بصیرت می نماید. کاردینال جوزف آلوئیس راتزینگر ۱ در تاریخ ۱۶ آوریل ۱۹۲۷ در ایالت باواریا ۲ در کشور آلمان به دنیا آمد و در تاریخ ۱۹ آوریل ۲۰۰۵ به عنوان دویست و شصت و پنجمین (۲۶۵) پاپ رهبر کلیسای کاتولیک جهان شد. این موقعیت او را در رأس حاکمیت دولت-شهر واتیکان قرار می دهد و چنین مرسوم است که پس از به جای آوردن مراسم عشاء ربانی



پاپ انتخاب شد. او همواره چهره ممتاز کلیسای کاتولیک و به منزله زبان پاپ و چهره او و تنها سخنگوی رسمی کلیسای کاتولیک جهان به شمار می رفت. جوزف راتزینگر، یعنی پاپ فعلی با چندین زبان آشناست از جمله زبانهای آلمانی، اسپانیولی، انگلیسی، ایتالیایی و لاتین. او همچنین زبان فرانسه را به روانی و تسلط تکلم می کند و از سال ۱۹۹۲ عضو آکادمی علوم اخلاقی و سیاسی فرانسه^{۱۲} بوده است. او در موسیقی نیز استاد پیانو به شمار می رود و به موسیقی کلاسیک بسیار علاقمند است به خصوص در نواختن آثار موزارت و بتهوون شهرت دارد و از این جهت مورد تأیید اساتید این هنر قرار گرفته است. بسیاری از نظرات و دیدگاههای راتزینگر یعنی پاپ فعلی مشابه نظرات پاپ ژان پل دوم است. او همواره با تغییر آموزه های سنتی مذهب کاتولیک درباره ازدواج خانواده و روابط انسانی مخالفت ورزیده است. او با مجازات اعدام مخالف بوده و با آغازگری و ابتداء به جنگ به شدت مخالف است و همواره بر عدالت اجتماعی و مخالفت با افراط گریهای نظام سرمایه داری^{۱۳} و مصرف گرایی^{۱۴} تأکید ورزیده است.

دوره نخستین زندگی:

راتزینگر چنانکه گفتیم در باواریا در کشور آلمان به دنیا آمد. او دومین پسر خانواده و کوچک ترین فرزند جوزف راتزینگر پدر بود. مادر او ماریا راتزینگر گارسون و پیشخدمت یک رستوران بود. او در ساعت ۴/۳۰ صبح روز یکشنبه عید پاک ۱۶ آوریل سال ۱۹۲۷ به دنیا آمد و چهار ساعت بعد غسل تعمید داده شد. پدر او یک افسر پلیس بود که هم در ایالت باواریا و هم در مرکز پلیس ملی خدمت می کرد که در سال ۱۹۳۷ در شهر ترانشتاین ۱۵ از شغل خود بازنشسته شد. مجله "ساندی تایمز" ۱۶ لندن درباره او نوشته است که او یک ضد نازی بود که تلاشهایش علیه هیتلر موجب شد خانواده وی چند بار ناگزیر به مهاجرت یا تغییر محل سکونت شوند.^{۱۵} پاپ فعلی دو برادر و خواهر بزرگتر از خویش دارد. نام برادرش جورج راتزینگر است که او نیز یک کشیش و یک موسیقی دان و متخصص فرهنگ قرون وسطی و در قید حیات است و خواهرش ماریا راتزینگر بود که در سال ۱۹۹۱ درگذشت. طبق گفته دختر عموی او اریکا کاپ^{۱۷}، راتزینگر از کودکی هیچ خواسته دیگری جز کشیش شدن نداشت (برخلاف پاپ درگذشته که در جوانی کمونیست بوده و مردم از او خواسته بودند که کشیش شهرشان شود).^{۱۸} وقتی راتزینگر ۱۵ سال داشت اعلام کرد که می خواهد اسقف شود و من (اریکا کاپ) به شوخی به او می گفتم که مقام اسقفی کم است نیست چرا نمی خواهی پاپ شوی؟ راتزینگر در ۱۴ سالگی در سال ۱۹۴۱ در سازمان "جوانان هیتلری" ۱۸ ثبت نام کرد. این عضویت قانوناً برای جوانان اجباری بود و از

سال ۱۹۲۸ تا ۱۹۴۵ به طول انجامید. طبق نوشته نشریه "National catholic reporter" (گزارش ملی کاتولیک) مصاحبه گر مخصوص و نویسنده زندگی نامه راتزینگر که نام وی جان آن ۱۹ است می نویسد: راتزینگر یک عضو بی اعتنا و بدون علاقه و غیر فعال بود که از حضور در همایشها و تظاهرات سازمان جوانان هیتلری امتناع می کرد. خود راتزینگر گفته است یک استاد ریاضیات که ناسیونال سوسیالیست بوده برای او از یک حوزه علمیه ۲۰ در پرداخت شهریه تحقیف گرفت تا بتواند ثبت نام کند و این در حالی بود که چنین تحقیفی فقط به اعضای فعال دانش آموزان هیتلری با ارائه شواهد و مدارک کافی داده می شد اما این پروفسور خیرخواه ضمانت کرد که این دانش آموز جوان برای ثبت نام و دریافت کمک هزینه تحصیلی در حوزه علمیه نیاز به شرکت در سازمان هیتلری و همایشها و فعالیتهای آنها ندارد و چنین بود که او توانست در رشته دلخواه خود تحصیل کند و بعدها رساله پایان نامه دکتری خود را درباره "تلقی سنت آگوستین از کلیسا" ۲۱ بنویسد و رساله دکترای او نیز درباره قدیس بوناونتوره^{۲۲} بود که در سال ۱۹۵۷ تکمیل شد و در سال ۱۹۵۸ استاد شد. راتزینگر مدتی نیز تحت فشار و آزار نازیها قرار داشت ولی جان سالم به در برد. ۱۶ سال داشت که او و همشاگردیهایش را مجبور به نگهداری از تأسیسات نظامی و بمب افکنها کرده بودند و مدتی نیز مسئول بخش مخبرات پلاگان بود. مدتی نیز در مرز آلمان با مجارستان و نیز اتریش خدمت کرد که در سال ۱۹۴۴ به اتمام رسید. پیش از تسلیم آلمان مدتی به بیان گردی و زندگی در روستاهای اطراف محل اقامتش در شهر ترانشتاین ناگزیر شد زیرا نمی توانست شاهد اعدامها، مجازاتهای وحشیانه و جنایتکاریهای نازیها باشد. آخرین هفته ها و ماههای جنگ بود. او دستگیر شد و مدتی در یک زندان روباز در اردوگاه جنگی نزدیک اولم (Ulm) محبوس بود تا در ۱۹ ژوئن ۱۹۴۵ آزاد شد. او در سال ۱۹۵۲ در کسوت یک کشیش جوان نخستین مراسم عشاء ربانی را برگزار کرد. او از سال ۱۹۵۹ تا ۱۹۶۳ استاد دانشگاه بن^{۲۳} بود و بعد از آن استاد دانشگاه مونستر^{۲۴} شد. در سال ۱۹۶۶ صاحب کرسی "الهیات دگماتیک" ۲۵ در دانشگاه توبینگن^{۲۶} شد. جایی که همکار او هانس کونگ^{۲۷} نیز به تدریس اشتغال داشت. در آن زمان یک نهضت مارکسیستی نیز در این دانشگاه وجود داشت. او در سال ۱۹۶۹ به باواریا بازگشت و در دانشگاه رگنبرگ^{۲۸} مشغول کار شد.

راتزینگر در شورای واتیکان دوم^{۲۹} به عنوان مشاور الهیاتی ۳۰ کاردینال کلن^{۳۱} یعنی کاردینال جوزف فرینگز فعالیت داشت و تا پایان نیز از مصوبات این شورا (Nostra Aetate) حمایت کرد. این مصوبات درباره

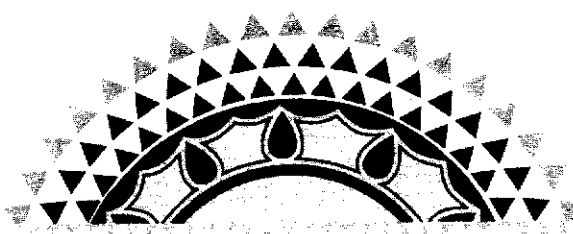
احترام به دیگر ادیان و اعلام حق آزادی دینی بود. او در زمان برپایی شورای دوم واتیکان به عنوان یک مصلح (Reformer) به شمار می رفت بعداً نیز در مقام رئیس کمیسیون آموزه ایمان به خصوص در سند معروف بیانیه درباره عیسی پروردگار ما (Dominus Iesus) بر لزوم احترام به ادیان دیگر و آزادی دین و دیالوگ میان کلیساها^{۳۲} و ایجاد تقریب و وحدت میان همه کلیساهای مسیحی پای فشرده.

راتزینگر در سال ۱۹۷۲ به کمک بعضی از دوستانش نشریه الهیاتی "گامیونو"^{۳۳} را تأسیس کرد که اکنون به چندین زبان منتشر می شود و عقاید مذهب کاتولیک را تشریح می کند. این نشریه که یک فصلنامه است با کمک الهی دانان بزرگی مثل فون یالتازار و کاسپار اداره می شود و مورد تأیید و تقدیر خاص پاپ ژان پل دوم قرار گرفت که آن را وسیله ای برای تقرب به خلودن نامید. این نشریه بعدها تبدیل به یک حلقه مطالعاتی (Study Circle) نیرومند و گسترده برای تحقیق در همه جوانب الهیات مسیحی و دین مسیح شد و هنوز هم کاملاً فعال است.

راتزینگر در ۱۹۷۷ به عنوان سراسقف اعظم مونیخ (Arch bishop) منصوب شد و در ژوئن ۱۹۷۷ توسط پاپ ژان پل ششم به مقام کاردینالی رسید و در زمان برگزاری "شست محرمانه" کاردینالها برای انتخاب پاپ جدید یعنی همین اخیراً یکی از آنها ۱۴ کاردینالی بود که توسط پاپ پل ششم منصوب شده بودند. و یکی از سه کاردینالی بود که زیر سن ۸۰ سالگی بودند و می توانستند در رای دادن شرکت کنند.

راتزینگر بعدها توسط پاپ ژان پل دوم رئیس کمیسیون آموزه و ایمان^{۳۴} شد که پیشتر با عنوان اداره مقدس تفتیش عقاید^{۳۵} بدان اشاره می شد و همین موجب انتقادات و طعن بسیاری از مخالفان او شد که هنوز هم با او به عنوان عنصری محافظه کار سر مخالفت دارند و در ایام انتخاب پاپ جدید بر علیه او به تبلیغات پرداختند و یکی از موارد مورد استناد آنها همین منصب بود که بر آن انگشت نهاده و آن را بسیار برجسته کردند. در حالی که مطلب بر عکس بود. البته باید دانست که راتزینگر درباره کنترل موالید^{۳۵}، همجنس گرایی^{۳۶} و دیالوگ بین ادیان همان نظرات رایج پاپ قبلی را دارد. که مورد قبول بسیاری از کاردینال ها و کشیش های مخالف او نیست و این نظرات را کهنه قشری و جاماندیشانه و مخالف مدرنیته و جهان جدید می دانند. این چالشها هنوز هم وجود دارند.

او نام بندیکت شانزدهم را برای خود برگزیده است. زیرا چنانکه گفتیم پیش از او ۱۵ پاپ به نام بندیکت حکومت کردند پس او باید شانزدهمین باشد. اما واژه بندیکت در زبان لاتین به معنی فرخنده خجسته میمون و مبارک تیرک یافته متبرک شده^{۳۷} است. دلیل انتخاب این لقب این است که راتزینگر در روز ۱۶ آوریل به دنیا



آمده است که این روز روز مخصوص قدیس بندیکت جوزف لابر ۲۸ در ۱۶ آوریل ۱۷۸۳ بوده است و روز "ژانر مقدس" ۳۹ نیز خوانده شده است. افزون بر این، دلیل دیگر این نامگذاری این بوده است که پاپ بندیکت ۱۵ که از ۱۹۱۴ تا ۱۹۲۲ پاپ بوده به عنوان آشتی دهنده بین مناقشات و جدالهای ملرنیستها و ضد ملرنیستها درون کلیسای کاتولیک به شمار می رود و انتخاب این نام از سوی راتزینگر حکایت از این معنا می کند که او نیز به دنبال رفع نزاعها و اختلاف دیدگاه های کاتولیکها در درون کلیسای کاتولیک است و می خواهد نقشی بندیکت وار در جهت آشتی ایشان ایفا کند. او به اعتراف نزدیک ترین دوستان و اطرافیان خود خواستار تحقق صلح در جهان است و این مطلب را کاردینال مابسنر در مصاحبه با نشریه اشپیگل به صراحت عنوان کرده است. به این دلیل او خود را بندیکت نامید و درست در لحظاتی قبل از آمدن به بالکن کلیسای سنت پتر و کاخ پاپ و اعلام انتخابش به جانشینی پاپ مرحوم، این نام را برگزید هرچند که برخی معتقدند او حتی پیش از تشکیل نشست محرمانه و مراسم انتخاب پاپ جدید این نام را برای خود برگزیده بود. باید منتظر ماند تا خود او در آینده این نکته را روشن سازد. پاره ای عالمان الهیات نیز معتقدند که نام او تناعی کننده قدیس بندیکت مؤسس فرقه راهبان بندیکتی قرون وسطا است که هم شخصی صلح طلب بوده و هم مظهر حمایت از اروپا به شمار می رفته است و اساسا راهبان بندیکتی را "قدیسان حامی اروپا" می خوانده اند. شاید گزینش این نام تلمیحی است به نقش پر رنگ تر پاپ آینده در حمایت از اروپا. دوست دیگرش کاردینال فرانسیس جورج اهل شیکاگو نقل می کند که راتزینگر در جلسه ای در مورد توضیح نام جدیدش خطاب به کاردینالها گفت: "من نیز آمیوارم در مدت کوتاه حکومتم مرد صلح و حامی صلح باشم". در باب نام پاپ جدید سخنان دیگری گفته شده که در حوصله این مقال نیست.

جهت گیریهای فکری و فلسفی او:

مهمترین نکته در مورد مکتب الهیاتی و نظرات کلامی و فلسفی پاپ جدید آن است که وی بی شک متکلم (Theologian) برجسته ای است که به تلفیق فلسفه سنت توماس (تومیسیم) ۴۱، شخص گرایی فلسفی ۴۲ مارتین بوبر (مواجهه وجودی دو شخص) و ژان پل دوم که آمیخته با فوئمونولوژی معتدل لئون کلس ۴۳ همراه با الهیات مدرن ۴۴ هانری دولوباک ۴۵ و فون بالتازار ۴۶ پرداخته است و فلسفه او تلفیقی از این نگرشهاست. بدینسان شباهت مکتب الهیاتی او با مکتب فکری کسانی مثل کارل راتز ۴۷، هانس کونگ، ادوارد شلیبکس ۴۸ دارد. او به انجام مناسک و شعائر کاتولیکی و عبادات و مناجات ها و ادعیه و توجه و التزام کامل دارد و این نیز یکی دیگر از موارد انتقاد مخالفان مدرن گرای

اوست که او را محافظه کار، راست دین و مناسک گرا می دانند. نکته دیگر اینکه نظر او درباره دیگر ادیان گاه به شکلی منفی ابراز شده او در مورد یهودیان معتقد است که "عهد قدیم" را باید در پرتو "عهد جدید" فهمید و درک کرد و مسیح را تنها با "عهد جدید" می توان شناخت و به صراحت از برتری الهیات کلیسای کاتولیک نسبت به دیگر مذاهب و ادیان سخن می گوید و معتقد است که رستگاری ابدی تنها در درون کلیسای کاتولیک قابل وصول است. ۴۹ او در مورد دین بودا از عشق خودانگیزانه آدمی سخن گفته و به جای واژه "دین" از واژه "معنویت" ۵۰ و عرفان استفاده کرده است و آن را حتی نوعی تهدید برای کلیسای کاتولیک دانسته است. او در مورد مسیحیت به حقایق مطلق معتقد است و هرچند دیالوگ با دیگر ادیان و فرقه ها و مذاهب مسیحی و غیر مسیحی و دیگر ادیان را می پذیرد اما معتقد است که این دیالوگ ربطی به حقایق مساوی ۵۱ ادیان ندارد ولی به جد در پی ایجاد آشتی و پیوند میان مذاهب مسیحی و کلیساهای جهان و تفاهم میان پیروان ادیان مختلف است. پاپ جدید بندیکت شانزدهم مخالف سرسخت همجنس گرایی و ازدواج با همجنس ۵۲ سقط جنین ۵۳ مجازات اعدام ۵۴ شبیه سازی انسان ۵۵، فمینیسم، مارکسیسم و لیبرالیسم است. با شک گرایی ۵۶ الحدیث، التقاط گرایی ۵۸ نیز به شدت مخالف است. عرفان را تعبیری ابهام آمیز می داند و بیشتر ترجیح می دهد از معنویت مسیحی سخن بگوید تا عرفان که به نظر او شباهتی با مذهب گنوسی دارد. مواضع سیاسی و فکری او در واقع همان مواضع پاپ ژان پل دوم است و همچون او بر حفظ قدرت کلیسای کاتولیک تأکید دارد و قاطعانه به دفاع از آموزه های کاتولیکی می پردازد. او به شدت از نسبی گرایی ۵۹ در اخلاق و معرفت شناسی پرهیز می کند و می کوشد تا کلیسای کاتولیک را از این آفات دور نگهدارد. کلیسا از نظر پاپ جدید محل تجلی پیام خلودن و نیز ابزار تبلیغ و موعظه پیام او در روی زمین است. به نظر او کلیسا باید به حقیقت اخلاقی و گسترش آن توجه کامل نماید و در برابر جریانهای اجتماعی و فشارهای سیاسی بیرون کلیسا مقاومت نماید و تسلیم این جریانها نشود. او به تقویت کامل مرجعیت کلیسای کاتولیک و تمرکز بخشیدن به نقش و بسط نفوذ آن معتقد است ولی با خودکامگی و استبداد مخالف است. او معتقد است که نسبی گرایی چتر شوم خود را در جهان معاصر بر همه امور پوشانده است و لذا همه چیز را در خودپرستی و هواهای نفسانی خلاصه کرده است. همه ارزشها تابع امیال نفسانی شده است. به همین سبب پاپ جدید بر "مذهب کاتولیکی کارزماتیک" تأکید جنسی و اساسی دارد و آن را نوعی پلنر خودپرستی و توری از معنویت می داند.

پاپ جدید با الهیات رهایی بخش نیز مخالف است و در مقابل، برای رهایی از گناه و نیز از ستم بر تقویت رابطه

عبادی با خدا و عمل به شعائر مذهب کاتولیک تکیه می کند. این نیز از مواردی است که مخالفان او بر آن انگشت نهاده اند. پاپ جدید به شدت با بیماری ایبز و عوامل ایجاد و گسترش آن مبارزه می کند ولی در عین حال معتقد به استفاده از وسایل جلوگیری از بارداری نیست! او معتقد است که ایبز زاییده تسهیل ارتکاب شرور و قبیاح است و به همین دلیل با همجنس گرایی از هر نوع و نیز با رسوایی جنسی اهل کلیسا برخوردی قاطعانه داشته است. اوتائزی ۶۰ یا مرگ خودخواسته نیز از نظر او مردود است. او با کشیش شدن زنان مخالفت کرده است و اظهار داشته این کار با ایمان کاتولیکی مطابقت ندارد.

با طلاق مخالف است و اعلام داشته کسانی که طلاق گرفته اند و ازدواج مجدد کرده اند حق شرکت در مراسم عشاء ربانی را ندارند. و با مادی کردن زندگی و مادیگری و ماله انگاری به شدت مخالف است و جامعه معاصر را "جامعه ای حریص و مادی" می داند که از دین فاصله گرفته است.

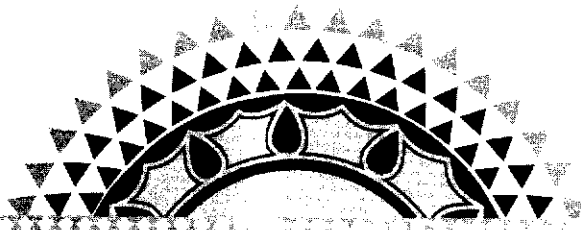
پاپ جدید با هرگونه "دستکاری ژنتیکی" ۶۱ و تغییرات بر روی جنین مخالف است. او از مخالفان جنگ امریکا بر علیه عراق (۲۰۰۳) بود و معتقد است این حمله نظامی قابل توجیه نبوده و نیست. او با اینکه موسیقی دان برجسته ای است ولی با استفاده از رقص معروف راک اند رول در مراسم عبادی مسیحی مخالف است و آن را مجاز نمی داند.

مقام پاپ از نظر او مقام یک سلطان یا پادشاه نیست و به تعبیر او پاپ حاکم اسقف ها نبوده بلکه خدمتگزار امت مسیح و جامعه مؤمنان است.

او از منتقدان به اصطلاح "نظم نوین جهانی" ۶۲ است. استحکام خانواده، روابط عاطفی اعضای آن و توجه به وظایف مادری و تربیت فرزندان همواره مورد اعتنای جدی او بوده است.

او در آثار و مقاله ها و سخنرانی هایش بحثهای مبسوطی درباره مقولات الهیاتی نظیر ایمان، گناه، رستگاری، عشق، وحی، کلیسا، تثلیث، کفار، تجسد و حلول، شخصیت مسیح و عیسی تاریخی، اخلاق، خدا، متن مقدس، مناجات، عبادت، رهبانیت، اعتقادات زندگی مسیحی و نیز بحثهایی درباب تاریخ، سیاست، وحدت کلیساها، فرهنگ، فمینیسم و دیگر فلسفه های سیاسی و مباحث اجتماعی دوران معاصر پرداخته است که نشان از بصیرت و هوشیاری او دارد. فهرست مختصری از آثار مهم او را در پایان این مقاله می آورم تا راهنمایی برای تحقیقات بیشتر پژوهشگران جوان باشد.

با این همه باید منتظر ماند و عملکردهای پاپ جدید را در آینده به لوری نشست. ما مسلمانان آمیواریم که نه تنها این انتخاب بلکه هرگونه انتخابی از این دست در سراسر جهان و در دیگر سنن دینی نیز موجب برقراری



- 1- Joseph Alois Ratzinger
- 2- Bavaria
- 3- Mass of Papal Installation
- 4- Bishop of Rome
- 5- Benedict
- 6- Adrian VI
- 7- Papacy
- 8- Gregory V
- 9- Congregation for the Doctrine of the Faith
- 10- Vice-Dean
- 11- College of Cardinals
- 12- Academi des sciences morales et politiques
- 13- Capitalism
- 14- Consumerism
- 15- Traunstein
- 16- Sunday Times
- 17- Erika Kopp
- 18- Hitler youth
- 19- John Allen
- 20- Seminary
- 21- "The People and the House of God in Augustine's Doctrine of the church"
- 22- Saint Bonaventure
- 23- Bonn
- 24- Munster
- 25- Dogmatic Theology
- 26- Tubingen
- 27- Hans Kung
- 28- Regensburg
- 29- Second Vatican Council
- 30- Theological Consultant
- 31- Cologne
- 32- "Ecumenical dialogue"
- 33- Communio
- 34- "The Holy Office of the Inquisition"
- 35- Birth control
- 36- Homosexuality
- 37- "the blessed"
- 38- Saint Benedict Joseph Labre
- 39- Holy pilgrim
- 40- Patron Saints of Europe
- 41- Thomism
- 42- Philosophical Personalism
- 43- Leon Kass
- 44- "nouvelle theologie"
- 45- Henri de Lubac
- 46- Hans Urs Von Baltazar
- 47- Karl Rahner
- 48- Edward Schillebeeckx
- 49- "extra ecclesiam nulla salus"
- 50- Spirituality
- 51- Equally Correct
- 52- Same-sexmarriage
- 53- Abortion
- 54- Death penalty
- 55- Human cloning
- 56- Agnosticism
- 57- Atheism
- 58- Syncretism
- 59- Relativism
- 60- Euthanasia
- 61- Genetic manipulation
- 62- "New World Order"

صلح و عدالت واقعی در جهان و گسترش فضای تفاهم، مسالمت و همکاری میان پیروان ادیان گردد.

through 2000 years of history, Antonio Lope 1997.z1-The popes, The lives of the pontiffs , trans. by: Charles Nopar, Roma, uk, 2001.z2-The Theology of Joseph Rat An Introductory study, Aidan Nicholas, inger, -Introduction to Christianity, Joseph Rat San Francisco: Ignatius press, 2004.z3 Translated into English by: Michael J.Miller, inger, 2nd ed. L.Allen, New York, 2000.z4-Cardinal Rat The Vatican's enforcer of the faith, John inger: Pfeiffer, 1977.zinger: der Erz5-Kardinal Rat in wort und Bild, Karl Wagner, Munchen, bischoft in Munchen und Freising

فهرست آثار و تألیفات پاپ جدید:

پاپ جدید بیش از ۳۰ جلد کتاب به زبانهای آلمانی، ایتالیایی و نیز مقاله ها و رساله هایی به لاتین و انگلیسی و دیگر زبانها دارد که تنها چند اثر مهم او را در حوزه الهیات ، مسیحیت شناسی و دین پژوهی به زبان انگلیسی و بدون رعایت ترتیب تاریخی در اینجا ذکر می کنیم باشد که یاری رسان محققان جوان و دانشجویان علاقمند در پژوهشهای شان باشد:

- 1-God of Jesus (1978). Building Stones for a Fundamental Theology
- 2-Principles of Catholic Theology: (1987)
- 3-Principles of Christian Morality Approaches to a Theology of the Liturgy (1986)
- 4-Feast of Faith: on Christ: Exercises in Faith, Hope and Love (1986)
- 5-To Look Essay to Orient Theology in Tiday's Debates (1991)
- 6-The Nature and Mission of Theology: (1995)
- lights on the catechism of the catholic church (1997)
- 7-Gospel, Catechesis, Catechism: Side Understanding the church today (1996)
- 8-Called to Communion: in Modern World-Assessment and Forecast (1994)
- 9-A Turning point for Europe: The Church Covenant: Israel, The church and the world (1999)
- 10-Many Religions, One Christian Belief and World Religions (2004)
- 11-Truth and Tolerance: Time: The Provocation of Talking about God (2005)
- 12-The End of